



بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با میزان لجبازی - نافرمانی مقابله‌ای و پرخاشگری فرزندان

سمیرا جدیدیاف حقیقی^۱

چکیده

خانواده اولین پایه گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرد است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی فرد در آینده دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با میزان لجبازی - نافرمانی مقابله‌ای و پرخاشگری کودکان بود. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پسر دبستان دوره ابتدایی عصمتیه شهر مشهد و مادرانشان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه طرحواره یانگ توسط مادران، پرسشنامه لجبازی - نافرمانی مقابله‌ای هومرسن (۲۰۰۶) و مقیاس پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) توسط فرزندان تکمیل گردید. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با میزان پرخاشگری و لجبازی در فرزندان رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0.05$). نتایج حاکی از اهمیت رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با روابط آن‌ها با کودک‌شان دارد. این نتایج تلویحات مهمی در زمینه آسیب‌شناسی، پیشگیری و درمان اضطراب کودکان دارد.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، لجبازی - نافرمانی مقابله‌ای، پرخاشگری، مادران، فرزندان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور، نیشابور، ایران

در طی سال‌های گذشته یک مجموعه رو به رشد تحقیقات حول محور پرخاشگری و مشکلات آن در کودکان و نوجوانان در مدرسه اختصاص یافته است (رجبی و همکاران، ۱۳۹۲). پرخاشگری در دوران نوجوانی نه تنها به قربانیان اعمال پرخاشگرانه آسیب وارد می‌سازد، بلکه رشد خود نوجوانان پرخاشگر را در معرض خطر قرار می‌دهد (لوافف پور نوری و همکاران، ۱۳۹۲). رفتار پرخاشگرانه می‌تواند بر اساس انگیزه و کارکرد به زیر گروه‌هایی تقسیم شود. به این ترتیب، پرخاشگری تدافعی به عنوان پرخاشگری واکنش‌پذیر برجسب می‌خورد، در حالی که یک عمل ابزاری و توهین‌آمیز به عنوان پرخاشگری واکنش‌گرایانه برجسب می‌خورد (اوسترمیجر^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). پرخاشگری به عنوان هر شکلی از رفتار در نظر گرفته می‌شود که به دیگران صدمه و آسیب بزند و می‌تواند به آشکار و غیر مستقیم طبقه‌بندی شود. رفتار آشکار، رفتاری در نظر گرفته می‌شود که اثر منفی مستقیمی بر بهزیستی قربانی داشته باشد. پرخاشگری آشکار می‌تواند به صورت فیزیکی یا کلامی باشد. پرخاشگری فیزیکی شامل رفتارهایی از قبیل زدن و هل دادن می‌باشد در حالی که پرخاشگری کلامی شامل حملات کلامی لفظی به شکل متلک یا تهدید است. پرخاشگری غیرمستقیم، رفتاری است که باعث صدمه و آسیب به صورت غیر مستقیم به وسیله آسیب رساندن به روابط اجتماعی می‌شود و آن شامل رفتارهایی از قبیل غیبت کردن که قربانی را از گروه‌های اجتماعی جدا می‌کند و یا شایعه پراکنی می‌کند (گارسیا - سانکو^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). خشم یکی از مهم‌ترین احساس‌ها در زندگی افراد بشر است. احساسی است که در ارتباطات بین فردی به وجود می‌آید و زمانی تجربه می‌شود که نقشه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای افراد ناکام شوند و همچنین در زمانی که افراد موقعیت‌ها را ناعادلانه و تهدیدی برای ایگوی خود در می‌یابند، تجربه می‌شوند (کوسکون^۴، ۲۰۱۰). خصومت یک صفت شخصیتی پایدار است که شامل مولفه‌های عاطفی (خشم)، نگرشی (بدبینی و بی‌اعتمادی به دیگران) و رفتاری (پرخاشگری آشکار و سرکوب شده) می‌باشد (برایدون^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). به رابطه بین خصومت و رفتار پرخاشگرانه توجه می‌کند. خصومت رفتار پرخاشگرانه درونی نیست، بلکه بیرونی است (یاگچر و جاگلار^۶، ۲۰۱۰).

یکی از شایع‌ترین اختلالات دوران کودکی و نوجوانی، اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۷ است که یکی از علل رایج ارجاع کودکان به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره می‌باشد (پتی و مایک، ۲۰۰۹). براساس تعریف متن تجدید نظر شده در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، اختلال نافرمانی مقابله‌ای الگوی پایدار منفی کاری، نافرمانی، لجبازی، خصومت و سرکشی در برابر اولیای قدرت است. این گونه رفتارها در چهار مورد (و یا بیشتر) از معیارهای زیر در ۶ ماه گذشته باید وجود داشته باشند: ابراز کج خلقی، بحث و جدل با بزرگسالان، بی‌اعتنایی یا رد همکاری و درخواست‌ها و اصول بزرگسالان، انجام عمدی کارهایی که مزاحم دیگران است، سرزنش دیگران به خاطر کوتاهی خود، حساسیت، خشم، بی‌زاری و کینه توزی (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۷). این رفتارها باید فراوان تر از آنچه برای سن و سطح رشد معمول است روی داده و مشکلات خانوادگی و تحصیلی مهمی بوجود آورد. اختلال نافرمانی مقابله‌ای معمولاً بین ۷ تا ۱۲ سالگی نمایان می‌شود و شیوع آن در پسران بیشتر از دختران است (کازدین و وایتلی، ۲۰۰۶).

از آنجا که طرحواره‌ها بنیادهای شناختی فرد را تشکیل داده و می‌توانند رفتارهای فرد را شکل داده و به آن سمت و سو دهند، لذا می‌توان بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان بخش زیرین و سخت شناخت‌های افراد که اغلب در دوره‌های تحولی رشد شکل گرفته‌اند، با رفتارهای ناسازگارانه در مقاطع بعدی رشد افراد، رابطه برقرار نمود. طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای فرد از رویدادها شده و این سوگیری‌ها خود را به صورت نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، اهداف و چشم داشت‌های غیرواقعی بینانه نشان می‌دهند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری

² Oostermeijer

³ Garcia - Sancho

⁴ coskun

⁵ Brydon

⁶ Yagci , Caglar

⁷ Oppositional Defiant Disorder

هستند که به رابطه ی فرد با خود یا دیگران ارتباط دارند و به شدت ناکارآمد هستند (کنون، لوبار و بالدوین^۸، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش کاظمی، ظهیری زاده و دیده روشنی (۱۳۹۲) نشان داد که طرحواره های ناسازگار می توانند پیش بین نشانه های اختلالات رفتاری کودکان (۵۶٪ واریانس) باشند. طرحواره های ناسازگار اولیه والدین می تواند در شکل گیری شیوه های خاص فرزندپروری آنها و در نهایت اختلال های بیرونی کودکان موثر باشد (نظری، کاکاوند و مشهدی فراهانی، ۱۳۹۴). از طرفی یافته های پژوهش هایی اشاره می کنند که طرحواره های گوش به زنگی بیش از حد و بازداری می توانند اضطراب را در نوجوانان پیش بینی کنند (ارو، کالواته و پادیلیا^۹، ۲۰۱۴). طرحواره های ناسازگار اولیه می توانند افسردگی و علائم اضطراب اجتماعی آینده را در نوجوانان پیش بینی کنند (کالواته، ارو و هنکین^{۱۰}، ۲۰۱۵). نجف علی بیگی (۱۳۹۰) نیز نشان داد که طرحواره حوزه عملکرد مختل و دیگر جهت مندی می توانند اضطراب اجتماعی را در نوجوانان پیش بینی کنند. باتوجه به مطالب ذکر شده، محقق در صدد آن است که بین طرحواره های ناسازگار اولیه والدین با پرخاشگری و لجبازی - نافرمانی مقابله ای در فرزندان رابطه وجود دارد؟

مواد و روش کار

پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. از این رو هدف بررسی رابطه متغیرهای موجود و سنجش میزان همبستگی آنهاست. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانش آموزان پسر مدرسه عصمتیه مشهد و مادرانشان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بود. با توجه به نظر متخصصان مبنی بر اینکه در پژوهش های همبستگی حجم نمونه تعداد ۱۰۰ نفر مناسب است (دلور، ۱۳۹۱)، تعداد دانش آموزان نمونه در این پژوهش ۱۰۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس از جامعه مذکور انتخاب شدند. دانش آموزان این مدرسه به پرسشنامه لجبازی و پرخاشگری با کمک معلم خود و مادران به پرسشنامه طرحواره یانگ، پاسخ دادند.

ابزار

پرسشنامه درجه بندی لجبازی - نافرمانی مقابله ای (ODDRS)

پرسشنامه اختلال نافرمانی مقابله ای به وسیله هومرسن، موری، اوهان و جانسون (۲۰۰۶) به منظور ارزیابی کودکان با اختلال نافرمانی مقابله ای براساس ملاکهای DSM-IV-TR ساخته شده است. این مقیاس برای کودکان ۵-۱۵ سال استفاده می شود. ضریب پایایی (همسانی درونی) مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰.۹۲ و ضریب پایایی آن به روش بازآزمایی $R = 0.95$ در سطح $P < 0.01$ به وسیله طراح شونندگان پرسشنامه ارائه شده است. این پرسشنامه به وسیله عابدی (۱۳۸۷) بر روی دانش آموزان مقطع اول تا پنجم دبستان شهر اصفهان روایی و اعتبارش بررسی شده است. عابدی (۱۳۸۷) ضریب پایایی (همسانی درونی) این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰.۹۳ و ضریب پایایی آن را به روش بازآزمایی ۰.۹۴ محاسبه و روایی محتوایی این مولفه نیز به وسیله ۵ نفر روان شناس و روان پزشک مورد تائید قرار گرفته است. این پرسشنامه توسط والدین کودک تکمیل می شود. این پرسشنامه توسط والدین کودک تکمیل می شود. این پرسشنامه به وسیله والدین کامل می شود و دربردارنده ۸ سوال است که در طیف لیکرت (همیشه، هرگز و گاهی اوقات) مقیاس بندی می شود.

پرسشنامه طرح واره یانگ

شامل ۷۵ گویه است که یانگ (۱۹۹۸) آن را برای ارزیابی ۱۵ طرح واره ناسازگار اولیه ساخته است (یانگ، کلسکو و ویشار^{۱۱}، ۱۹۹۸). این طرح واره ها عبارتند از: محرومیت هیجانی، طرد شدگی، بی اعتمادی و بد رفتاری، انزوای اجتماعی، نقص و شرم، بی کفایتی و وابستگی، آسیب پذیری بیماری، خود تحول نیافته، اطاعت، ایثار و فداکاری، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق، خود کنترلی ناکافی و شکست. هر پرسش نامه براساس مقیاس شش درجه ای نمره گذاری می شود و هر پنج پرسش یک طرح واره را می سنجد. چنانچه میانگین هر خرده مقیاس بیشتر از ۲ باشد آن طرح واره ناکارآمد است.

⁸ Cannon, Lubar, Baldwin

⁹ Orue, Calvete, Padilla

¹⁰ Hankin

¹¹ Young J, Klosko J, Weishaar M

محاسبه پایایی با استفاده از روش بازآزمایی، ضرایب همبستگی برای خرده مقیاس ها در دامنه ۶۰ درصد تا ۸۵ درصد به دست آمد. پایایی آزمون از طریق همسانی درونی در دامنه ۷۱ درصد تا ۹۰ درصد همسانی بالایی دارد. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی ملاک و سازه استفاده شد که طی آن مطابقت زیادی بین ساختار نظری خرده مقیاس ها و نتایج عاملی و روایی پرسشنامه مشاهده شد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶).

پرسشنامه پرخاشگری باس و پری

این مقیاس در سال ۱۹۹۲ به وسیله آرنولد اچ. بی و مارک پری تدوین شده است و حاوی ۲۹ ماده می باشد که چهار جنبه از پرخاشگری (پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت) را مورد سنجش قرار می دهد و مجموع نمرات چهار خرده مقیاس میزان پرخاشگری کلی را می سنجد. اعتبار و پایایی پرسشنامه ی پرخاشگری از همسانی درونی خوبی برخوردار است. ضرایب آلفا برای خرده مقیاس های پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰.۸۵، ۰.۷۲، ۰.۸۳، ۰.۷۷ و ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰.۸۹ می باشد و همچنین در پژوهشی که در اسپانیا، گارسیالیون (۱۹۹۹) و دیگران بر دانشجویان رشته روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه جائن انجام دادند. ثابت درونی چهار عامل و نمره های کل تست بین ۰.۷۲ و ۰.۸۹ بود و بازآزمایی تست بین ۰.۷۲ و ۰.۸۰ گزارش شده است. اعتبار این پرسشنامه از راه شاخص های روایی همگرا، همزمان و تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفت. روایی همگرای پرسشنامه پرخاشگری با محاسبه ضریب همبستگی زیر مقیاس های این پرسشنامه با یکدیگر و با کل پرسشنامه تایید شد که این ضرایب میان ۰.۳۷ تا ۰.۷۸ متغیر و معنادار بودند (آهنگر انزابی و فرج زاده، ۱۳۹۲).

یافته ها

میانگین سن مادران ۳۸.۲۵ بود. ۵۵٪ مادران تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس) داشتند، ۴۵٪ دارای تحصیلات دیپلم و سیکل بودند. داده ها از نظر نرمال بودن بررسی شدند و نتایج جدول ۱ نشان می دهد با توجه به عدم معناداری آزمون های کولموگروف - اسمیرنوف و در سطح کمتر از ۰.۰۵، سطح توزیع داده های نرمال می باشد.

جدول (۱). بررسی نرمال بودن توزیع داده ها

متغیرها	درجه آزادی	آماره	معناداری
طرحواره های ناسازگار اولیه	۱۰۰	۰.۰۶	۰.۲۳
لجبازی - نافرمانی	۱۰۰	۰.۰۷	۰.۱۱
پرخاشگری	۱۰۰	۰.۰۶	۰.۱۲

جدول (۲). ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	همبستگی	معناداری
طرحواره های ناسازگار اولیه مادران		
لجبازی - نافرمانی	۰.۵۴	۰.۰۲
پرخاشگری	۰.۳۲	۰.۰۱

نتایج جدول (۲) نشان می دهد که بین لجبازی - نافرمانی و پرخاشگری فرزندان با طرحواره های ناسازگار اولیه مادران رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0.05$).

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه مادران با میزان لجبازی - نافرمانی مقابله ای و پرخاشگری فرزندان بود. یافته های پژوهش نشان داد میان طرحواره های ناسازگار اولیه مادران با لجبازی - نافرمانی و پرخاشگری رابطه

معنادار وجود دارد. یافته های این پژوهش با پژوهش های ارو، کالواته و پادیلیا^{۱۲} (۲۰۱۴)، کالواته، ارو و هنکین^{۱۳} (۲۰۱۵)، نجف علی بیگی (۱۳۹۰) نیز همسو می باشد. در تبیین پژوهش های فوق می توان گفت که طرحواره رها شدگی مادران در صورتی که در سبک مقابله ای تسلیم باشد، به چند نوع می تواند با لجبازی و پرخاشگری فرزندان رابطه داشته باشد. حالت بی ثباتی و رهاکردن فرزند، منجر به رفتارهای حاکی از بی ثباتی می باشد که در این صورت منجر به رفتارهای نافرمانی در فرزند بشود و استارتر نوعی رفتار پرخاشگری در آنها باشد. همچنین، اگر مادر در سبک مقابله ای اجتناب باشد، مادر خیلی وارد فضای رابطه نمی شود، بچه ها ممکن است توسط دیگران بزرگ شوند و این مادران خیلی زمان زیادی برای بزرگ کردن فرزندشان نمی گذارند، در این صورت می تواند منجر به رفتار پرخاشگری بشود که ارتباطی با لجبازی - نافرمانی مقابله ای ندارد. مادرانی که در سبک مقابله ای جبران هستند، در ارتباطشان نوعی وابستگی ایجاد می کنند که باعث مراقبت بیش از اندازه می شود و باعث دچار حالت نافرمانی مقابله ای می شود. نوعی حالت اعتراض گونه به وابستگی می شود. در طرحواره بی اعتمادی، مادر در حالت تسلیم، رفتارهایی انجام می دهد که حاکی از قواعد گذاشتن برای فرزندان نمی باشد و در این شرایط منجر به رفتار نافرمانی و لجبازی و بی اعتمادی در فرزندان می شود. در حالت جبران افراطی، سوء استفاده کردن از بچه، منجر به شروع لجبازی در بچه ها می شود و نوعی فریاد اعتراض خواهی را در پی دارد. در طرحواره محرومیت هیجانی، در سبک مقابله ای تسلیم، ابراز احساساتی وجود ندارد، وقتی افراد ابراز احساسات نمی کنند، مجبور می شوند احساسات خود را به صورت پرخاشگری و لجبازی نشان دهند. بچه ها وارد رابطه صمیمی نمی شوند و احساس خشم و کدورت می کنند. در طرحواره نقص و شرم، والدینی که در واقع سعی می کنند فرزندانشان را به بهترین نحو تربیت کنند، باعث ایجاد فشار در بچه ها می شوند. در فاز تسلیم، با عزت نفس پایین، فرزند می تواند کنترل کند و به نوعی مشخص کننده قواعد در خانه باشد و منجر به لجبازی می شود. محدودیت هایی در این پژوهش همچون دیگر پژوهش ها وجود داشته است، از جمله اینکه در این پژوهش صرفا در دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر مشهد انجام شده و تعمیم آن به نمونه پسران دانش آموز دارای محدودیت است. یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر، مقطعی بودن آن است. به همین دلیل درصد اطمینان به نتایج به دست آمده پایین می آید. باتوجه به رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه مادران با لجبازی - نافرمانی مقابله ای و پرخاشگری فرزندان، پیشنهاد می شود در برنامه های آموزشی فرزندپروری و آموزش خانواده یا در رفتار درمانی اختلالات کودکان به ویژگی های شناختی والدین از جمله باورها و طرحواره های آنان توجه شود.

References:

- Brydon, Lena. Strike, Philip C. Bhattacharyya, Mimi R. Whitehead, Daisy L, McEwan, Jean. Zachary, Ian. Steptoe, Andrew. (2010). Hostility and physiological responses to laboratory stress in acute coronary syndrome patients. *Psychosomatic Research*. 68(2): 109-116.
- Calvete, E., Orue, I., & Hankin, B.L. (2015), A test of the vulnerability-stress model with early maladaptive schemas for depressive and social anxiety symptoms in adolescents. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 37(1), 85-99. DOI: 10.1007/S10862-014-9438-X
- Coskun, Arslan. (2010). an investigation of anger and anger expression in terms of coping with stress and interpersonal problem-solving. *Theory and practice*. 10(1): 25-43.
- E. García-Sancho, J.M. Salguero, P. Fernández-Berrocal. (2016). Angry rumination as a mediator of the relationship between ability emotional intelligence and various types of aggression. *Personality and Individual Differences*. 89: 143-147.
- Kazdin, A. E., & Whitley, M. K. (2006). Comorbidity, case complexity, and effects of evidence-based treatment for children referred for disruptive behavior. *Journal of consulting and clinical psychology*, 74(3), 455.

¹² Orue, Calvete, Padilla

¹³ Hankin

- Lavafpour Noori, F. Zaharakar, K. Sanai Zaker, B. (2012). A Study of Effectiveness of Group Forgiveness Therapy in Reducing Aggression among 11-13 Year Old Male Adolescents in City of Dezful. *J Shahid Sadoughi Univ Med Sci*; 20(4): 489-500. (in Persian)
- Loeber, R., Burke, J. D., Lahey, B. B., Winters, A., & Zera, M. (2000). Oppositional defiant and conduct disorder: a review of the past 10 years, part I. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 39(12), 1468-1484.
- Moradi M, Akbari T, Dausti M. Relation between early maladaptive schemas and self differentiation in referrals to welfare centers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2015;185:294-300.
- Nazari, F., kakavand, A., Mashhadi Farahani, M.(2015), The relationship between early maladaptive schemas and mothers' parenting styles and children's external disorders. *Applied Psychology*, 9 (2), 115-135.(Persian)
- Oostermeijer, M. Nieuwenhuijzen, P.M. van de Venc, A. Popma, L.M.C. Jansen. (2016). Social information processing problems related to reactive and proactive aggression of adolescents in residential treatment. *Personality and individual differences*. 90(2016): 54-60.
- Orue, I., Calvete, E., & Padilla, P. (2014), Brooding rumination as a mediator in the relation between early maladaptive schemas and symptoms of depression and social anxiety in adolescents. *Journal of adolescence*, 37(8), 1281-1291
- Petty, C., & Mick, E. (2008). Parsing the Familiality of Oppositional Defiant Disorder from that of Conduct Disorder: A Familial risk Analysis. *Journal of Psychiatric research*. 43 (4). 345-352
- Rajabi, Z. Najafi, M. Rezaei, A. (2013). The effectiveness of cognitive behavioral group therapy in reducing children aggressive. *Journal of Clinical Psychology*, 10(3): 55-71. (in Persian)
- YAĞCI, Emete. ÇAĞLAR, Mehmet.)2010(. HOW THE USE OF COMPUTER TYPES AND FREQUENCY AFFECTS ADOLESCENCES TOWARDS ANGER AND AGGRESSION. *The Turkish Online Journal of Educational Technology*. 9(1): 89-97.
- Young J, Klosko J, Weishaar M. Schema therapy: A practitioner's guide [H. Hamidpour, Z. Andooz Persian trans]. Tehran: Arjmand. 1998.